

تأثیر عوامل مدیریتی پلیس بر تقویت قانون‌پذیری در بین جوانان شهر کرمانشاه^۱

حسن‌رضا رفیعی^۲ و شهریار کریمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۳۱

چکیده

زمینه و هدف: قانون و قانون‌پذیری یکی از پایه‌های اصلی برقراری ثبات در جوامع انسانی است که با افزایش روند شهرنشینی هر روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. هم‌اکنون نهادهای بسیاری وظیفه قانون‌پذیری افراد جامعه را بر عهده دارند که یکی از آنها نیروی انتظامی است. پلیس با اقدامات اجتماعی پیش‌بینانه، پیشگیرانه و مقابله‌ای سعی بر انجام این مهم دارد. هدف اصلی این پژوهش، تعیین میزان تأثیر عوامل مدیریتی پلیس بر تقویت قانون‌پذیری در بین جوانان شهر کرمانشاه است.

روش: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله کرمانشاهی در سال ۹۷ به تعداد ۱۷۹۰۱۵ نفر بودند که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۰۰ نفر حجم نمونه پژوهش را تشکیل دادند که از آن میان ۱۱۵ پرسشنامه صحیح در تجزیه و تحلیل داده‌ها منظور شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته است. روایی ابزار از دیدگاه صاحب‌نظران تایید شد و پایایی ابزار با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ به‌دست آمد. برای تجزیه و تحلیل و رتبه‌بندی داده‌ها، از آزمون‌های رگرسیون و فریدمن استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های به‌دست آمده از آزمون‌های استنباطی حاکی از آن است که عواملی مانند: انطباق، انسجام، عدالت و مشارکت‌پذیری در مدیریت پلیس بر تقویت قانون‌پذیری در بین جوانان شهر کرمانشاه تأثیر دارد. در این میان، مشارکت‌پذیری در رتبه اول و انطباق، انسجام و عدالت به‌ترتیب در رتبه‌های دوم تا چهارم هستند. **نتایج:** براساس رتبه‌بندی گویه‌های ۲۵ گانه پرسشنامه، گویه‌های استفاده پلیس از ظرفیت رسانه‌های جمعی، روابط صمیمانه پلیس و مردم بر مبنای آموزه‌های دینی و مشارکت پلیس با سازمان‌های مردم‌نهاد و دولتی، بیشترین تأثیر را بر قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی داشتند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت پلیس، قانون‌پذیری، انطباق‌پذیری، یکپارچگی، مشارکت‌پذیری، جوانان شهر کرمانشاه

□ استناد: رفیعی، حسن‌رضا؛ کریمی، شهریار. (۱۳۹۹). تأثیر عوامل مدیریتی پلیس بر تقویت قانون‌پذیری در بین جوانان شهر کرمانشاه. *فصلنامه*

پژوهش‌های مدیریت/انتظامی، ۱۵(۴)، صص. ۵۳۱-۵۵۲.

۱. این پژوهش، برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی دانشکده فرماندهی و ستاد دانشگاه علوم انتظامی امین است.

۲. دانشجویار گروه معارف، دانشکده عقیدتی سیاسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه:

hrr1340@chmail.ir

۳. کارشناسی ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. رایانامه: shahryk59@chmail.ir

مقدمه

واژه قانون از جمله واژه‌های چند معنایی و چند وجهی است. از سویی قانون به معنی قاعده‌ای است که مقامات صلاحیت‌دار در قوه مقننه وضع، تصویب و ابلاغ می‌کنند. چنین قانونی مبتنی بر مدنیت و متناسب با مصلحت جمعی مردم است و همگان موظف به رعایت و پیروی از آن هستند (معین، ۱۳۹۱، ص ۲۶۲۷). از این دیدگاه قانون اظهار رسمی نظام ارزشی و قدرت اجتماعی مسلط بر حاکمیت کشور است. در اصطلاح به چنین قواعدی قانون نوشته می‌گویند، همچنین قواعد نانوشته‌ای وجود دارد که شامل هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی است که رعایت آنها نیز موجب قوام و ثبات اجتماعی در جامعه می‌شود. در صورت خودداری افراد از پایبندی به چنین هنجارهایی، نظم و امنیت در جامعه حاصل و محقق نخواهد شد (زارع شاه‌آبادی و ترکان، ۱۳۹۰، ص ۴۱). قانون‌پذیری و قانون‌گرایی در جامعه به معنی گرایش آگاهانه، داوطلبانه و ارادی اکثریت مردم از قوانین و مقررات نوشته و نانوشته و عمل به آنهاست (صداقت، ۱۳۸۴، ص ۱۲)؛ به بیان دیگر، قانون‌گرایی را می‌توان میزان اهمیتی دانست که شهروندان هر جامعه‌ای برای قانون قائل هستند که با شاخص‌هایی مانند کاهش ارتکاب جرایم و تخلفات سنجیده می‌شود و افزایش مشارکت اجتماعی و انسجام و وحدت را به دنبال دارد.

قانون‌گریزی مشکلی اساسی در جوامع بشری است که منجر به تحمیل هزینه‌های فراوان به افراد و جامعه می‌شود. در شهرهای بزرگ قانون‌گریزی و افزایش جرایم و تخلفات، تهدیدی برای حیات فردی و دارایی‌های انسان است که علاوه بر ایجاد حس ناامنی و بدبینی، لطمه‌های سنگین روحی، جسمی و مالی بر شهروندان تحمیل می‌کند. همچنین موجب می‌شود تا عملکرد نظام‌های قضایی و انتظامی، با وجود دامنه وسیع فعالیت آنان و صرف بودجه کلان، ناکارآمد به نظر برسند. قانون‌گریزی پدیده‌ای اجتماعی و در عین حال یکی از بدترین شیوه عمل انسان‌ها در جامعه است که در هر جامعه‌ای با علل و انگیزه‌های مختلف به وقوع می‌پیوندد. تجربه بسیاری از کشورها و از جمله ایران، نشان داده است که مقابله با کج‌روی‌های اجتماعی با افزایش تعداد یگان‌های انتظامی، تشکیلات قضایی، وضع قوانین و مجازات‌های شدیدتر، چندان ثمربخش نیست. صاحب‌نظران مهمترین راهکار پیشگیری از وقوع ناهنجاری‌ها را شناسایی و برطرف کردن عوامل بروز آنها دانسته‌اند. قانون‌گریزی رفتاری غیرمتعارف است که تحت تاثیر عوامل مختلفی انجام می‌شود. البته نوع جرم و انگیزه‌های وقوع آن، اثرپذیری از عوامل متعدد و مختلف را

به صورت متفاوتی دچار استحاله می‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۶). براساس گفته وزیر دادگستری، در سال ۱۳۹۸ تعداد ۱۳ میلیون و ۵۶۳ هزار فقره پرونده به دادگستری‌های کشور وارد شده است. اگر این تعداد را به ۸۳ میلیون نفر جمعیت کشور در آن سال تقسیم کنیم، به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، ۱۶۲۶/۵ پرونده تشکیل شده که در مقایسه با سال ۱۳۹۷ افزایش پرونده‌ها با رشدی حدود صد و بیست درصد همراه بوده است. اینها به جز سه میلیون فقره پرونده‌ای است که به شوراهای حل اختلاف ارجاع شده که آن نیز نسبت به سال پیش از آن یازده درصد رشد داشته است.^۱

براساس آمار رسمی اعلام شده توسط قوه قضاییه در سال ۱۳۹۶، به ازای هر صد هزار نفر ۸۴۹۹ پرونده تشکیل شده که نسبت به میانگین آمار کل کشور حدود پنج برابر است. در دادگاه‌های عمومی و انقلاب به ازای هر صد هزار نفر جمعیت استان ۷۱۰۹ پرونده تشکیل شده است. سهم شهرستان کرمانشاه از این تعداد که حدود ۶۰ درصد از کل پرونده‌های تشکیل شده در سطح استان است (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۱۸-۳ و ۶۷). برابر آمارهای اعلام شده از مرکز فرماندهی و کنترل فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۷ تصادفات برون شهری شهرستان کرمانشاه فوتی و خسارتی نسبت به سال ۱۳۹۸ کاهش ده درصدی داشته است. در سال ۱۳۹۷ تصادفات درون شهری جرحی، فوتی و خسارتی نسبت به سال ۱۳۹۸ ضمن کاهش اندک تصادفات جرحی و خسارتی، در فوتی‌ها ۴۷ درصد رشد داشته است. ضمناً نزاع و درگیری فردی در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۸ حدود ۳ درصد رشد داشته است. تعداد نزاع دسته جمعی در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۸ حدود ۱۸ درصد رشد داشته است. تخریب اموال در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۸، ۲۲ درصد رشد داشته است. ساخت‌وسازهای غیرمجاز در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۸، ۱۸ درصد رشد را نشان می‌دهد. تصرف عدوانی در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۸، ۱۶ درصد رشد داشته است. ترمرد نسبت به ماموران پلیس در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۸، ۲۷ درصد افزایش داشته است (مرکز کنترل و فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه، ۱۳۹۸).

با مقایسه این آمارها می‌توان به وضوح مشاهده کرد که معضل قانون‌گریزی در کرمانشاه روند افزایشی دارد. این جرایم، بجز جرایم و قانون‌گریزی‌هایی است که گزارش نمی‌شوند و یا با پادرمیانی بعضی افراد به مراجع قانونی محول نمی‌شوند. با احتساب تخلفات و جرایمی که گزارش نمی‌شوند،

می‌توان رقم بیشتری را برای جرایم در کرمانشاه تخمین زد. بنابراین این پژوهش با هدف تعیین میزان تاثیر عوامل مدیریتی پلیس شامل انطباق، انسجام، مشارکت‌پذیری و عدالت بر تقویت قانون‌پذیری در بین جوانان کرمانشاهی، در صدد پاسخگویی به این پرسش اصلی است که عوامل مدیریتی پلیس بر تقویت قانون‌پذیری در بین جوانان شهر کرمانشاه به چه میزان تاثیر دارند؟

پیشینه: قربانی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی تاثیر سبک زندگی و عوامل محیطی بر گرایش رانندگان تاکسی شهر کرمانشاه به قانون‌گریزی»، که جامعه آماری آن شامل ۵۵ نفر از خبرگان و کارشناسان راهنمایی و رانندگی بود، به این نتیجه رسید که الگوهای رفتار فردی به میزان ۹۰ درصد، رفتار اجتماعی به میزان ۹۳ درصد، رفتار اقتصادی به میزان ۸۲ درصد و رفتار دینی به میزان ۹۸ درصد بر سبک زندگی مبتنی بر قانون‌پذیری افراد تاثیر مثبت دارند. رنجبر (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تاثیر دوربین‌های ثبت تخلفات طرح زوج و فرد بر میزان قانون‌پذیری رانندگان»، که جامعه آماری آن شامل ۱۰۲ نفر از افسران کارشناس ارشد راهور و ۳۸۴ نفر از رانندگان متخلف بود، به این نتیجه رسید که فعالیت این دوربین‌ها بر کاهش تخلفات، کاهش حجم ترافیک، کاهش آلودگی و درنهایت اصلاح رفتار و قانون‌پذیری رانندگان تاثیر بسزایی دارد. اوتادی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «علل موثر بر قانون‌گریزی راکبان موتورسیکلت» که جامعه آماری آن شامل ۱۸۹ نفر از موتورسواران متخلف بود، به این نتیجه رسید که فقدان قانون‌گذاری، ضعف بازدارندگی قوانین موجود و ضعف اجرای قانون و مقررات توسط مجریان، از علل و عوامل موثر بر قانون‌گریزی موتورسواران است که اگر برطرف شوند، موجب قانون‌پذیری آنها می‌شود. رضازاده (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «بررسی مطالبات شهروندان شمال شهر تهران از پلیس درباره نظم عمومی و امنیت اجتماعی» که جامعه آماری آن ۲۶۷ از سرپرستان خانوارهای ساکن شمال تهران بودند به این نتیجه رسیده است که: اقتدار پلیس در انجام مأموریت‌ها، قانون‌مداری کارکنان، کارایی پلیس و هویت مدنی، مطالبات شهروندان از پلیس در انجام مأموریت‌ها است. براساس آزمون فریدمن، بین مطالبات شهروندان، قانون‌مداری پلیس در انجام مأموریت‌ها از بالاترین و هویت مدنی پلیس بعد از اقتدار و کارایی از کمترین سطح برخوردار بوده است. همچنین بین دامنه مطالبات شهروندان با میزان تحصیلات و موقعیت‌های شغلی، اقتصادی و اجتماعی آنان تفاوت معناداری وجود ندارد. بین دامنه مطالبات شهروندان از پلیس با وضعیت تاهل و جنسیت آنان رابطه معناداری وجود ندارد. بین دامنه مطالبات شهروندان از پلیس با

سن آنان به غیر از مطالبه هویت مدنی که با استفاده از آزمون پیرسون، مشخص شد دارای رابطه معنادار و مثبتی است و در سایر مطالبات، رابطه معنادار ملاحظه نشد.

تیلور، والتون و دارلی^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان: «نقش ارزش‌های اجتماعی در ایجاد جامعه قانون‌مدار» به نقش چنین ارزش‌هایی در ایجاد جامعه قانون‌مدار تاکید کردند. در پژوهش یادشده مشخص شد که رفتارهای قانون‌مدار، فقط به دلیل ترس از مجازات و تنبیه شدن نیست، بلکه بیشتر تحت تاثیر میل به انجام عملی اجتماعی و اخلاقی است. در جوامعی که خودنظارتی نهادینه شده است، شهروندان به مسئولیت قانونی معتقد هستند و برابر ارزش‌ها و هنجارها عمل می‌کنند. عمل به قانون دو دلیل دارد: افراد رفتارهای ممنوع شده توسط قانون را غیر اخلاقی می‌دانند و دیگر آن که مراجع قانونی مشروعیت دارند. تانیلیان^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی عملکرد پلیس در برخورد با شهروندان؛ مشروعیت پلیس و مدیریت مسئولیت» به این نتیجه رسیدند که مردم در اثر عدالت، اطمینان و اعتماد به پلیس با او ارتباط دارند و این احساس شایستگی موجب اطاعت شهروندان از پلیس می‌شود. عدالت رویه‌ای بر مشروعیت پلیس تاثیرگذار است؛ به عبارتی عدالت رویه‌ای در تجربه‌های ذهنی شهروندان و ناشی از رفتار آشکار افسران پلیس است. ویکاف و اسکوگان^۳ (۱۹۹۴) در پژوهشی با عنوان «مشارکت اجتماعی و مراقبت انتظامی همگانی» به این نتیجه رسیده است که مهمترین نوآوری سازمانی در سازمان پلیس، نظارت همگانی است که متضمن مشارکت و همکاری شهروندان با پلیس در سطح محلی، تعریف مسائل مرتبط با جرم، تعیین اولویت‌های پلیس و شناسایی مشکل‌ها و حل آنهاست.

در یک جمع‌بندی کلی از پیشینه‌ها می‌توان گفت که بیشتر این پژوهش‌ها، جنبه‌هایی از علل و عوامل قانون‌گریزی را مطرح کرده‌اند. پژوهش حاضر در رویکردی متفاوت و مثبت‌گرایانه در صدد مطالعه عوامل مدیریتی پلیس بر تقویت قانون‌پذیری توسط مردم و به خصوص جوانان است که تصور می‌شود قانون‌گریزی دارند.

مبانی نظری: قانون‌گریزی موجب احساس ناامنی فکری، مالی و حتی جانی برای بزه‌دیدگان می‌شود و بی‌نظمی ناشی از آن، پایمال شدن حقوق شهروندی و تغییر ارزش‌ها و بی‌تفاوتی را به دنبال دارد. بنابراین هزینه‌های مقابله با جرایم و آسیب‌های اجتماعی، با افزایش آمار افزایش می‌یابد. اینجاست که هرکدام

1. Taylor, Walton and Darly

2. Tanielian

3. Wycoff & Skogan

از نهادهای اجتماعی باید به فراخور وظیفه، برای جلوگیری از وقوع یا درمان آسیب و پیامدهای آن گام بردارند. بر این اساس ضرورت دارد تا آگاهی و شناخت کاملی از عوامل موثر بر قانون‌گریزی صورت گیرد. پدیده قانون‌پذیری دارای ویژگی‌های مخصوص به خود است و مطالعه در این زمینه مستلزم مطالعه در زمینه موضوع‌های مختلف روان‌پزشکی کیفری، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و موضوعات مربوط به حقوق جزایی است. تعریف دقیق قانون‌گریزی، تشخیص مصادیق آن، نحوه مقابله با این پدیده و تعیین جایگاه آن در قوانین جزایی و بررسی علل گرایش به کج‌رفتاری اجتماعی، از جمله اقداماتی است که همکاری نظام قضایی و انتظامی و سازمان‌ها و نهادهای مرتبط را می‌طلبد. منظور از قانون‌گریزی نادیده گرفتن قوانین و مقررات و ضوابط اجتماعی است. مانند فرار از پرداخت عوارض و مالیات، بی‌توجهی به قواعد و مقررات راهنمایی و رانندگی، تشکیل گروه‌های فشار، دزدی‌های کوچک و بزرگ، نادیده‌انگاشتن حقوق دیگران، بی‌توجهی به حفظ بهداشت خیابان‌ها و اماکن عمومی، کم‌توجهی به ایجاد آلودگی‌های صوتی، آسیب‌رسانی به وسایل نقلیه عمومی، نادیده گرفتن حرمت افراد و مصادیق بی‌شماری از این دست که در حال گسترش و افزایش است (ماهرویی، ۱۳۸۱، ص ۲۵)

نکته‌ای که نباید مغفول بماند آن است که منظور از قانون دستورالعمل‌های نوشته و نانوشته‌ای است که از سوی نهادها و سازمان‌های اجتماعی پذیرفته شده و به‌عنوان میانجی در پیوندهای اجتماعی میان مردم نقش دارند. قانون می‌تواند فیزیکی و طبیعی باشد که بر روند زندگی انسان در جامعه تاثیرگذار است و می‌تواند ضوابط اخلاقی و مدونی باشد که دولت یا قدرت فراتر آن را به‌شيوه‌ای خاص وضع و اجرا کند (تبیست، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶). بنابراین همان‌گونه که اشاره شد، قانون‌پذیری و قانون‌گرایی به‌معنای گرایش آگاهانه، داوطلبانه و ارادی افراد جامعه از قوانین و مقررات موجود و عمل به آنهاست (کلانتری، ربانی خوراسگانی و صداقت، ۱۳۸۴، ص ۱۲). عوامل مدیریتی پلیس نیز آن دسته عواملی هستند که منشا آن ایفای نقش مدیران و فرماندهان در سازمان برای توانمندسازی کارکنان به‌منظور تحقق اهداف سازمانی است (رضایی، گروسی و مهاجری، ۱۳۹۴، ص ۴۰).

از ابتدای پیدایش علوم اجتماعی، یکی از موضوعات مدنظر جامعه‌شناسان، نظم اجتماعی و به‌خطر افتادن آن است. جامعه‌شناسان دلایل مختلفی برای انحراف (قانون‌گریزی) افراد در جامعه مطرح کرده‌اند. عمده این نظریه‌ها را می‌توان در دو دسته اثبات‌گرا و ساخت‌گرا دسته‌بندی کرد (صدیق سروستانی، ۱۳۹۷)؛

در حالی که اثبات گرایان بیشتر به محیط و جامعه به عنوان دلیل انحراف توجه دارند، ساخت گرایان فرد را در کانون تحلیل انحراف قرار می‌دهند. در مجموع می‌توان گفت که صاحبان این دو اندیشه، برای تحلیل انحراف یا بر فرد تاکید دارند، یا تاکید آنها بیشتر متوجه جامعه بوده است. برخی از صاحب نظران جدید هم تلاش کرده‌اند تا انحراف را با در نظر گرفتن تاثیر متقابل ویژگی‌های فردی و جامعه تحلیل کنند. قانون، نظامی از هنجارهای یکسان برای نظم بخشیدن به رفتارهای انسانی است. هدف از تشییت چنین نظامی برقراری کنترل اجتماعی است. قوانین نه از طریق آداب و رسوم، بلکه توسط آمران سیاسی جامعه تفسیر و اعمال می‌شود. مفهوم قانون یکی از ابهام‌انگیزترین مفاهیم تاریخ بشر است و هنوز تعریف جهان‌شمولی از آن نشده است. یکی از مشکلات اساسی مفهوم قانون این است که برای افراد مختلف و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف معانی متفاوتی دارد. باید در نظر داشت که مفاهیمی از این دست چندان شفاف، زلال و غیر قابل تغییر نیستند. با وجود این، قانون یکی از تاریخی‌ترین، سنتی‌ترین و رایج‌ترین مفاهیمی است که همه جا به کار برده می‌شود. افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، بسته به موقعیت و پایگاه اجتماعی‌شان، این مفهوم را برای حفظ و نگهداری ارزش‌ها و باورهای خود به کار می‌گیرند. از آنجا که گروه‌های مختلف اجتماعی دارای باورها و ارزش‌های متفاوت‌اند نمی‌توان به سادگی به تعریفی جهان‌شمول از آن دست یافت که بتواند همه گروه‌ها و طبقات اجتماعی را در برگیرد. قانون در مکاتب مختلف جامعه‌شناسی از جایگاه متنوعی برخوردار است. این مکاتب به شش دسته تقسیم می‌شوند: مکتب اثباتی که بر فایده‌مندی قانون در جامعه توجه دارد، مکتب علم‌نظری، قانون را به مباحث تسلط یا فرماندهی تعریف می‌کند، مکتب تاریخی به چگونگی شکل‌گیری قانون توجه دارد، مکتب جامعه‌شناختی بر ارتباط میان قانون با نیازهای نهاد اجتماعی توجه دارد. مکتب کارکردی به کارکرد قانون توجه دارد و مکتب غایت‌شناسانه، قبل از هر چیز به حقانیت قانون و به دامنه‌ای توجه دارد که قانون می‌تواند اهداف عقلانی انسان را تعالی بخشد (عضدانلو، ۱۳۹۱، ص ۴۶۷-۴۷۱).

تدوین قانون، باهدف تنظیم فضای اجتماعی و روابط بین افراد جامعه صورت می‌گیرد که مهم‌ترین کارکرد قانون و مقررات، تنظیم روابط میان دولت و شهروندان از سویی و شهروندان باهم از سوی دیگر است (پارسامهر، سعیدی مدنی و دیوبند ۱۳۸۹، ص ۱۲). زندگی اجتماعی انسان تحت حاکمیت قواعد یا هنجارهای اجتماعی یا قانون است. یکی از ارکان اصلی استقرار جامعه مدنی و تشییت نظام مردم‌سالار

و نیز، دستیابی به کرامات والای انسانی، به چگونگی جهت‌گیری افراد جامعه در برابر قوانین جاری در سطح خرد و کلان اجتماعی بستگی دارد (زارع شاه‌آبادی و ترکان، ۱۳۹۳، ص ۱۶۰). قانون، به‌عنوان حامی نظم اجتماعی در کاهش تنش اجتماعی و تقویت امنیت اجتماعی نقش فعالی دارد. افراد جامعه در شرایط مختلفی از قانون تخطی می‌کنند، قانون‌گریزی در رفتارهای عادی زندگی روزمره از جمله گذشتن از خیابان، رانندگی، ساعت ورود به محل کار و مانند آن، رخ می‌دهد که نوعی آسیب اجتماعی است. قانون واقعی نیاز به پذیرش و قبول همگانی دارد (عضدانلو، ۱۳۹۱، ص ۴۷۰).

پارسونز مهم‌ترین عناصر شکل‌دهنده یک عمل را سنخ عاملان، سنخ وضعیتی که عمل در آن شکل می‌گیرد، اهداف و انتظارات و ارزش‌های عاملان، وسایل تحقق آن اهداف و معرفت عاملان بر اوضاع می‌داند. وی نظام اجتماعی را شامل تعامل‌های افراد در گروه‌ها و خرده فرهنگ‌ها عنوان می‌کند که شامل سازماندهی هنجارها، ارزش‌ها و نهادهای راهنمای تعامل افراد می‌شود. از نظر او کنش یا عمل عبارت از رفتاری است که به‌وسیله مقاصدی که کنشگران برای اشیاء و اشخاص قائل می‌شوند جهت داده می‌شود (امین صارمی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲). پارسونز معتقد است که ایجاد یک جامعه ممکن نیست مگر اینکه تمام افراد بالغ، اصولی را بپذیرند که براساس آن نحوه تقسیم کار برای همه قابل درک و تحمل‌پذیر باشد. به این معنا که جامعه از انسان‌هایی تشکیل می‌شود که درباره یک سری ارزش‌های به‌خصوص اتفاق نظر دارند و درباره آنچه که درست یا نادرست تصور می‌شود، یکسان می‌اندیشند. این ارزش‌ها به نابرابری‌های موجود در سازمان اجتماعی مشروعیت می‌بخشند و از نظر اخلاقی آنها را برای افراد جامعه پذیرفتنی می‌کند. از دیدگاه وی، نظم اجتماعی به تحقق ارزش‌های مشترک و عمومی وابسته است که به‌صورتی مشروع و اجباری در جامعه پذیرفته می‌شود و به‌منزله معیارهایی عمل می‌کنند که اعمال به‌وسیله آنها برگزیده می‌شوند. از نظر پارسونز، هر فرد در نظام شخصیتی خود که قسمتی از نظام کلی کنش است، هویتی یکتا دارد؛ اما این نظام شخصیتی در ارتباط متقابل با سایر بخش‌های نظام کنش عمل می‌کند. کنش برخلاف رفتار که حاصل پایگاه و نقش اجتماعی فرد در جامعه است، ارادی و فرد در انجام دادن آن مختار است. وی ارزش‌ها را راهنمای کنش معرفی می‌کند و تأکید دارد که کنش‌های اجتماعی در چارچوب نظام هنجارها و ارزش‌های اجتماعی از خصلت ارادی برخوردارند (ریترز، ۱۳۹۲، ص

(۲۳۴). نظریه کنش اجتماعی او در واقع بیانگر سلسله مراتب حاکم بر ارزش‌های متناظر خرده نظام‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نظام کنش افراد است. از نظر پارسونز، مجموعه فرآیندهایی که به مدد آنها اجتماعی شدن افراد تحقق می‌یابد، در حکم کارکرد حفظ الگو در جامعه است؛ و این فرآیند اجتماعی شدن از طریق نقش‌پذیری و کنش متقابل با دیگران صورت می‌گیرد. از این طریق فرهنگ به عاملان انتقال می‌یابد، توسط آنها درونی می‌شود و عامل مهمی در انگیزش رفتار اجتماعی‌شان به حساب می‌آید. هنجارها و ارزش‌های اجتماعی نیز از طریق فرآیند اجتماعی شدن، ملکه ذهن می‌شوند و به صورت بخشی از وجود کنش‌گران در می‌آیند؛ به طوری که آنها در ضمن پی‌گرفتن منافع خود، به مصالح کلی نظام اجتماعی خدمت می‌کنند (کرایب^۱، ۱۳۹۸، ص ۱۴۰).

به طور کلی، بحث اصلی پارسونز در تبیین انحرافات اجتماعی بر مبنای پیش فرضی است که درباره خرده نظام‌های چهارگانه فرهنگ، اجتماع، شخصیت و اقتصاد شکل گرفته است. کارکردهای مناسب هر یک از این خرده نظام‌ها و ارتباط و کنش متقابل بین آنها عامل کنترل‌کننده جامعه و همچنین عامل بقا و پایداری نظام اجتماعی است. در مقابل، نامتعادلی و بی‌سازمانی در هر یک از خرده نظام‌ها، حیات جامعه را تهدید می‌کند و زمینه را برای رفتار انحرافی فراهم می‌سازد. از نگاه جامعه‌شناسی پارسونزی، نهادها و سازمان‌های اجتماعی، عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه‌پذیری، الگوهای رفتاری و درونی ساختن آنها در افراد هستند. در صورتی که نهادها و سازمان‌های کارگزار جامعه‌پذیری نظیر خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارآیی لازم را نداشته باشند، جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی می‌شود و پیامد آن، شیوع رفتار انحرافی در جامعه است. پارسونز، آنومی یا ناهنجاری را نیز حاصل گسیختگی کامل نظم هنجاری می‌داند. او مفاهیمی با عنوان محرک، اقناع، اجبار و اضطراب را به کار می‌برد و به باور وی این‌ها شکل‌هایی از هم‌نوایی اجباری است. او انحراف اجتماعی و هم‌نوایی را به عنوان رفتاری معرفی می‌کند که در بستر کنش متقابل اجتماعی و با تکیه بر مفهوم نقش اجتماعی و انتظارات مربوط به آن، رشد و معنا می‌یابد. پارسونز روابط فرزند و والدین را به عنوان منبعی از طغیان دوره جوانی می‌داند و معتقد است که جوانان به دلیل بعضی از ویژگی‌های پذیرفته شده فرهنگ خانواده‌های طبقه متوسط، مرتکب رفتار بزهکارانه می‌شوند. برای مثال، داشتن خودرو یک ارزش پذیرفته شده نزد خانواده‌های

طبقه متوسط و در زندگی جوانان با اهمیت است. بعضی از جوانان ممکن است که به شیوه‌های غیر قابل قبولی هم چون دزدی، تلاش کنند تا خودرو و به دست آورند و شاید از آن به شیوه‌های غیر قابل قبول مانند رانندگی خطرناک نیز استفاده کنند. به اعتقاد او، چنین مشکلی در میان جوانان طبقه متوسط در جامعه صنعتی نسبت به جوانان سایر طبقات اجتماعی شیوع بیشتری دارد. در یک جمله می‌توان گفت: پارسونز علل رفتار انحرافی را در ساخت نظام اجتماعی جست‌وجو می‌کند و بر نقش نهادهای اجتماعی تأکید می‌کند (احمدی، ۱۳۹۲، ص ۵۵ و ۵۴).

پس وی بنیاد نظم را در حضور قواعد، هنجارها و الگوهای فرهنگی و پیروی کنش از آنها می‌داند. آن‌چه پارسونز از آن برای توضیح نظم به کار می‌گیرد، ترکیبی است از نظریات فروید^۱ و دورکیم^۲. در این باره، فروید بر این باور است که «الگوهای اجتماعی آن‌گاه وجود دارند که درونی شوند و جزء یکپارچه شخصیت روانی شخص شده باشند.» وی از فراخود، سخن به میان می‌آورد و آن را شامل قواعد رفتار، رواها، نارواها و نشانه‌های معنادار می‌داند که وجدان اخلاقی شخص را می‌سازد. از دیدگاه دورکیم، الگوهای رفتاری آن‌گاه وجود دارند که قبلاً نهادی شده باشند؛ به گونه‌ای که بتوانند از خارج، وجدان شخص را تحت تأثیر قرار دهند. تأکید دورکیم بر «بازنمایی‌های جمعی» و «وجدان جمعی» یا همان قواعد و الگوهای رفتار است. چون وی کنش فردی را تحت تأثیر فشارهای خارجی می‌داند، آن را یک امر اجتماعی در نظر می‌گیرد. پارسونز این دو را دو روی یک سکه و مکمل یکدیگر می‌داند؛ زیرا الگوهای بیرونی که شخص آنها را درونی می‌کند تا «فراخود» شود، همان الگوهای نهادینه شده‌ای هستند که تعداد زیادی از افراد جامعه آنها را به کار می‌برند. به بیان دیگر چون تعداد زیادی از اشخاص این الگوها را درونی کرده‌اند، نهادینه شده‌اند. «وجدان اخلاقی» فروید مکمل «وجدان جمعی» دورکیم است؛ «فراخود» آن روی فردی شده «بازنمایی‌های جمعی» است که خاستگاهش جامعه است. گی‌روشه این موضوع را از نظر پارسونز این گونه بیان می‌کند که: بنیاد نظم در ساخت نظام کنش است؛ یعنی در الگوها، هنجارها و ارزش‌هایی که برای کنشگر، فردی یا جمعی، معنایی دارد، چون که در شخصیت فرد درونی و در عین حال در جامعه و در فرهنگ، نهادی شده‌اند (دیلینی^۳، ۱۳۹۳، ص ۱۳). پس فرهنگ

از یک نوع «دوسویگی چشم‌اندازها» برخوردار است زیرا در عین حال هم در وجدان اشخاص و هم در سپهر نمادی جامعه حضور دارد و این موضوع در رابطه اجتماعی کنشگر با کنشگران دیگر مشاهده می‌شود زیرا کنشگران دیگر، الگوها را درونی کرده‌اند و در فرهنگ و ساخت‌های اجتماعی نهادی شده‌اند (کرایب، ۱۳۹۵، ص ۳۰۴).

پارسونز معتقد است که چهار تکلیف کارکردی وجود دارد که برای همه نظام‌ها ضروری و مشخصه آنهاست: انطباق، نیل به هدف، یکپارچگی و نهفتگی یا نگهداشت الگو. هر نظامی برای بقای خود باید این چهار کارکرد را داشته باشد:

۱. انطباق‌پذیری^۱: هر نظامی باید با شرایط محیطی و بیرونی موجود به‌نحوی کنار بیاید؛ یعنی باید خود را با محیط و محیط را با نیازهایش انطباق دهد.

۲. نیل به هدف^۲: هر نظامی باید اهداف عمده‌اش را تعیین کرده و به آنها دست بیابد.

۳. یکپارچگی^۳: هر نظامی باید روابط متقابل بین بخش‌های مختلف را تنظیم کند. همچنین باید رابطه بین سه تکلیف کارکردی دیگر را نیز مدیریت کند.

۴. نهفتگی^۴ (نگهداشت الگو): هر نظامی باید انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی سازنده و نگه‌دارنده این انگیزه‌ها را ایجاد، حفظ و تجدید کند (قدیمی، ۱۳۹۳، ص ۹۵-۱۰۴؛ کرایب، ۱۳۹۸، ص ۵۹).

یکی از این چهار نظام کنش، پویایی رفتاری است که کارکرد انطباق را از طریق سازگاری با جهان خارجی و تغییر شکل آن انجام می‌دهد. نظام شخصیتی کارکرد نیل به هدف را به واسطه تعیین اهداف نظام و بسیج منابع برای دستیابی به آنها انجام می‌دهد. نظام اجتماعی کارکرد یکپارچگی یا انسجام را از طریق نظارت بر عناصر سازنده‌اش انجام می‌دهد. سرانجام، نظام فرهنگی کارکرد نهفتگی را به واسطه تجهیز کنشگران به هنجارها و ارزش‌هایی که آنها را به کنش و امی دارند، انجام می‌دهد. از نظر پارسونز، نبود انسجام کارکردی نهادها و سازمان‌های گوناگون موجب گرایش به قانون‌گریزی می‌شود. به عقیده وی، اجتماعی کردن و کنترل اجتماعی، ساز و کارهایی هستند که به نظام اجتماعی کمک می‌کنند تا تعادل خود را نگه دارند. همان چیزی که در این پژوهش از آن به‌عنوان متغیر عدالت یاد شده است. در اندیشه

1. adaptation
3. Integration

2. Goal attainment
4. Latent pattern Maintenance

وی بیشتر بر آموزش فرهنگی تاکید می‌شود. وی نظم اجتماعی و انسجام و همبستگی طبقات مختلف را برای قانون محوری امری اجتناب‌ناپذیر می‌داند. بر این اساس هرگونه خلل در همبستگی و پیوندهای اجتماعی زمینه‌ساز بی‌تفاوتی به قوانین جامعه می‌شود (ریتزر، ۱۳۹۲، ص ۱۳۲). پارسونز پاسخ مسئله نظم را در کارکردگرایی ساختاری می‌یابد که به نظر وی بر پایه مجموعه فرض‌های زیر عمل می‌کند:

۱. نظام‌ها از خاصیت نظم و وابستگی متقابل اجزا برخوردارند (انسجام)؛
۲. نظام‌ها گرایش به تعادل یا نظم خود به خودی دارند (عدالت)؛
۳. نظام‌ها ممکن است ایستا باشند یا در چهارچوب فرایند نظام‌مندی از تغییر، عمل کنند؛
۴. ماهیت هر بخشی از نظام بر شکل بخش‌های دیگر آن تاثیر می‌گذارد (بیلینگتون^۱ و حریری اکبری، ۱۳۸۰، ص ۳۴)؛

۵. نظام‌ها مرزهایشان را با محیط اطرافشان حفظ می‌کنند؛
۶. تخصیص و یکپارچگی دو فرایند بنیادی‌اند که برای حالت معینی از تعادل یک نظام ضروری هستند؛
۷. نظام‌ها گرایش به حفظ خود دارند؛ یعنی حفظ مرزها، حفظ روابط اجزاء با کل، کنترل تغییرات محیطی و نظارت بر دگرگونی‌های داخلی نظام (اسمیت، ۱۳۸۷، ص ۴۵۳).

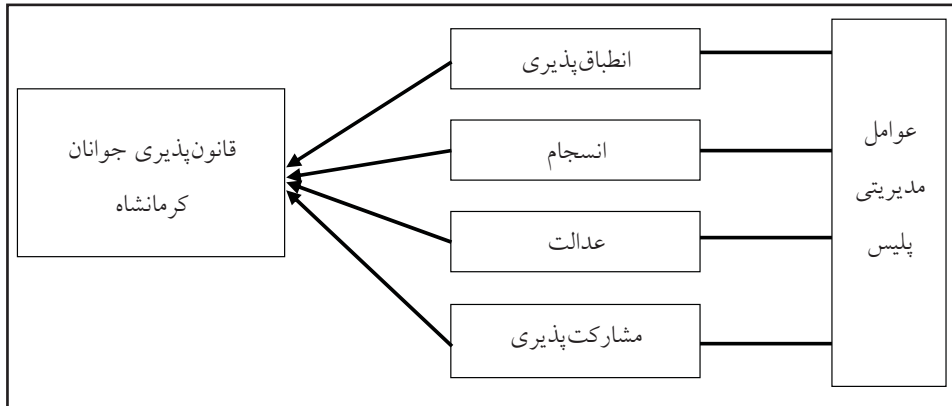
علاوه بر پارسونز، مرتن^۲ نیز در نظریه فشار ساختی خود که به نظریه ناهنجاری نیز معروف شده است؛ اعتقاد دارد که علت تعارض طبقات اجتماعی با قانون، فاصله و شکاف بین خواسته‌ها و اهداف فرهنگی و ساز و کار دستیابی به آن است. در نتیجه ایجاد محدودیت برای افراد متعارض، واکنش‌های آنها در قالب اشکال زیر قابل مشاهده است: ۱. همنوایی^۳ با اهداف فرهنگی ترسیم شده؛ ۲. نوآوری^۴ در رسیدن به این اهداف؛ ۳. شعارگرایی یا پذیرش وسایلی که فرهنگ برای دستیابی به اهداف ارائه می‌دهد و ۴. انزوای طلبی یا شورش به نشانه رد اهداف ترسیم شده و جایگزینی اهداف و وسایل جدید (آزادارمکی، ۱۳۸۹، ص ۸۲). اندیشمندان غربی معتقدند که فقدان آموزش قانون، یکی از مهمترین دلایل ترویج قانون‌گریزی است؛ یعنی اگر افراد تحت کنترل قرار نگیرند به‌طور طبیعی به کج‌رفتاری میل پیدا می‌کنند. ضمناً باید کاری کرد تا افراد خود کنترل شوند یعنی با کنترل درونی یا غیرمستقیم می‌توان احساس تعلق را در

1. Bilington
3. Conformity

2. Merton
4. Innovation

آنها بالا برد تا نسبت به جامعه احساس مسئولیت کنند (کوزر و روزنیرگ، ۱۳۹۳، ص ۱۰۹). با توجه به مطالب پیش گفته، چلبی و مبارکی (۱۳۸۴، ص ۱۰۸) معتقدند که اختلال‌های رفتاری بروز یافته از افراد ناهنجار یا قانون‌شکن همان چیزی است که دور کیم از آن با عنوان آنومی یا ناهنجاری یاد می‌کند. بروز این رفتارها نشانه ضعف علقه اجتماعی یا انطباق و انسجام و نبود عدالت و مشارکت یا تعهد نسبت به هنجارها در میان چنین افرادی است.

چارچوب نظری: در واقع چارچوب نظری پژوهش که دارای چهار متغیر مستقل انطباق، انسجام، عدالت و مشارکت در مدیریت پلیس برای تقویت قانون‌پذیری در میان جوانان کرمانشاهی است، بیشتر برگرفته از دیدگاه کارکردگرایی پارسونز است. مولفه‌های تاثیرگذار در هر متغیر با استفاده از نظریه کنش اجتماعی پارسونز و چند اندیشمند حوزه مطالعات اجتماعی به صورت مدل مفهومی ترسیم شد. در متغیر انطباق تاثیر شش مولفه استفاده پلیس از فناوری روز دنیا، رعایت حقوق شهروندی توسط پلیس، استفاده از دوربین‌های مداربسته، بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌های جمعی، آشنایی پلیس با تغییرات اجتماعی و تخصص‌گرایی پلیس بر قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی بررسی شد. در متغیر انسجام یا یکپارچگی تاثیر شش مولفه رشد روابط اجتماعی پلیس، امدادسانی پلیس در بحران‌های طبیعی، تعامل در برگزاری جشن‌های ملی و مذهبی، روابط صمیمانه با مردم براساس آموزه‌های دینی، پاسخگو بودن به مردم و احساس همدردی با مردم به هنگام مصائب بر قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی، بررسی شد. در متغیر عدالت تاثیر شش مولفه تعامل پلیس با مردم بر مبنای ویژگی‌های فرهنگی منطقه، اعمال قوانین به صورت صحیح، پرهیز از تبعیض در اجرای قانون، شایسته‌سالاری یا کار را به کاردان محول کردن، برخورد دور از تعصب پلیس با شهروندان و رعایت حقوق شهروندی بر قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی بررسی شد و در متغیر چهارم یعنی مشارکت‌پذیری پلیس تاثیر هفت مولفه حضور پلیس در کنار مردم در فعالیت‌های اجتماعی، مشارکت و هماهنگی پلیس با دستگاه قضایی، مشارکت پلیس با سازمان‌های مردم‌نهاد، مشارکت پلیس با سازمان‌های دولتی، ارتباط پلیس با مردم از طریق سامانه‌های ۱۹۷ و ۱۱۰ و اقدامات فرهنگی نیروی انتظامی بر قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی بررسی شد.



شکل ۱. مدل مفهومی عوامل مدیریتی پلیس موثر بر تقویت فرهنگ قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی (بر گرفته از نظریه کنش اجتماعی پارسونز به نقل از چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴)

روش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری شامل کل جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۷ به تعداد ۱۷۹۰۱۵ نفر بود که از میان آنها با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، ۳۰۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب و پرسشنامه‌های مربوط به آنها در مناطق شهرداری کرمانشاه توزیع و از آن میان تعداد ۱۵۰ پرسشنامه صحیح در محاسبه‌های آماری منظور شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته برگرفته از نظریه کنش اجتماعی پارسونز و چند اندیشمند حوزه مطالعات اجتماعی با ۲۵ گویه است. گویه‌های پرسشنامه میزان تاثیر عوامل مدیریتی پلیس (انطباق‌پذیری، یکپارچگی و یگانگی یا انسجام، تعادل و عدالت و مشارکت‌پذیری) بر تقویت قانون‌پذیری در بین جوانان شهر کرمانشاه را سنجیده است. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی مانند فراوانی و درصد فراوانی و آزمون‌های آماری رگرسیون چند متغیره و فریدمن استفاده شد. برای اطمینان از روایی یا اعتبار سوری و محتوایی پرسشنامه، تعداد ۱۵ نسخه پرسشنامه اولیه میان صاحب‌نظران آشنا به موضوع پژوهش توزیع و با نظر آنها گویه‌های مرتبط جایگزین تعدادی از گویه‌های نامرتب شد. برای سنجش پایایی پژوهش با محاسبه آلفای کرونباخ، این پایایی ۰/۹۶ برآورد شد که حاکی از صحت پرسشنامه برای اجرا در سایر نقاط جغرافیایی است.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش در جدول ۱ درج شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

ردیف	مؤلفه	ترکیب	فراوانی	درصد
۱	جنس	مرد	۷۶	۵۰/۷
		زن	۷۴	۴۹/۳
۲	تأهل	مجرد	۱۱۶	۷۷/۳
		متأهل	۳۲	۲۱/۳
		زیر دیپلم	۲۶	۱۷/۳
۳	تحصیلات	دیپلم	۳۲	۲۱/۳
		کاردانی	۶	۴
		کارشناسی و بالاتر	۸۶	۵۷/۴
		۱۷-۱۵ سال	۲۶	۱۷/۳
۴	گروه‌های سنی	۲۰-۱۸ سال	۲۰	۱۳/۳
		۲۳-۲۱ سال	۴۲	۲۸
		۲۵-۲۴ سال	۶۲	۴۱/۳

داده‌های جدول نشان می‌دهد که تا حدودی تعداد پاسخ‌دهندگان مرد و زن برابر بودند. افراد مجرد به میزان ۷۷/۳ درصد تعهد بیشتری در قبال پاسخگویی به پرسشنامه‌ها داشتند و ۵۷/۴ درصد آنها دارای مدرک تحصیلی کارشناسی و بالاتر بودند. همچنین بیش از هفتاد درصد پاسخگویان بین ۲۰ تا ۲۵ سال و کمتر از ۳۰ درصد بین ۱۵ تا ۲۰ سال سن داشتند.

جدول ۲. یافته‌های توصیفی مربوط به عوامل مدیریت پلیسی موثر بر قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی

ردیف	متغیر	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱	انطباق	۲۱/۲۱	۲۹/۲۱	۳۲/۶	۱۲/۹۵	۴/۰۳
۲	انسجام	۲۵/۷۶	۳۵/۱۱	۲۷/۵۳	۹	۲/۶
۳	عدالت	۲۹/۱۱	۳۲/۸۸	۲۵/۳۱	۸/۱۰	۴/۶
۴	مشارکت	۱۸/۷۷	۳۵/۴۴	۳۰/۷۲	۹/۳۷	۳/۸
۵	عوامل مدیریتی	۲۱/۲۱	۲۹/۲۱	۳۲/۶	۱۲/۹۵	۳/۵۸

داده‌های جدول نشان می‌دهد که حدود ۵۰ درصد از پاسخگویان متغیر انطباق، حدود ۶۰ درصد از آنها متغیر انسجام، حدود ۶۲ درصد متغیر عدالت و حدود ۵۴ درصد متغیر مشارکت را بر قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی زیاد و خیلی زیاد موثر دانستند. کسانی که این تاثیر را برای هر چهار متغیر متوسط دانسته‌اند، به ترتیب متغیرها ۳۲/۶ درصد، ۲۷/۵۳ درصد، ۲۵/۳۱ درصد و ۳۰/۷۲ درصد است که اگر این میانگین را مثبت ببینیم؛ تاثیر این چهار عامل مدیریتی پلیس بر قانون‌پذیری جوانان تایید می‌شود به گونه‌ای که می‌توان گفت در کل تاثیر این چهار عامل بر قانون‌پذیری جوانان ۸۲/۵ درصد متوسط به بالا است.

جدول ۳. یافته‌های حاصل از آزمون رگرسیون عوامل مدیریتی پلیسی موثر بر قانون‌پذیری جوانان کرمانشاه

ردیف	متغیرها	داده‌های استاندارد	داده‌های غیر استاندارد		آزمون t	سطح معنی داری
			خطای معیار	β		
۱	انطباق	۰/۶۰۳	مقدار ثابت	۳/۰۱۸	۱۰/۸۶۹	۰/۰۰۰
			ضریب رگرسیون	۰/۱۹۵	۱/۷۴۶	۸/۹۵۲
۲	انسجام	۰/۷۱۴	مقدار ثابت	۲/۴۷۴	۱۲/۲۰۲	۰/۰۰۰
			ضریب رگرسیون	۰/۱۷۱	۲/۰۶۶	۱۲/۰۸۱
۳	عدالت	۰/۷۶۱	مقدار ثابت	۲/۲۱۷	۱۳/۲۵۵	۰/۰۰۰
			ضریب رگرسیون	۰/۱۵۹	۲/۲۰۴	۱۳/۹۰۰
۴	مشارکت	۰/۷۵۸	مقدار ثابت	۲/۵۶۰	۹/۷۰۴	۰/۰۰۰
			ضریب رگرسیون	۰/۱۴۹	۳۰/۱۸۶	۱۳/۷۴۱
۵	عوامل مؤثر در مدیریت پلیس	۰/۷۱۰	مقدار ثابت	۲/۲۱۷	۹/۷۰۴	۰/۰۰۰
			ضریب رگرسیون	۰/۱۵۹	۲/۰۶۶	۱۳/۷۴۱

بر اساس نتایج ضریب β برای تاثیر متغیرهای چهارگانه انطباق، انسجام، عدالت و مشارکت در مدیریت پلیس برای قانون‌پذیر کردن جوانان کرمانشاهی که به ترتیب ۰/۶۰۳، ۰/۷۱۴، ۰/۷۶۱ و ۰/۷۵۸ به دست آمده است، با توجه به سطح معناداری که ۰/۰۰۰ است و مقایسه آن با میزان خطای مجاز ۰/۰۵ با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که فرض صفر مبنی بر نبود تاثیر عوامل مدیریتی پلیس بر تقویت فرهنگ قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی رد و فرض پژوهش مبنی بر وجود

این تأثیر‌پذیری تأیید می‌شود. در جمع‌بندی کلی از میزان تأثیر هر چهار متغیر و ضریب بتای حاصل شده به میزان ۰/۷۱۰، می‌توان نتیجه گرفت که تأثیر عوامل چهارگانه مزبور در مدیریت پلیس روی هم هفتاد و یک درصد بر قانون‌پذیری این جوانان تأثیر دارد و بیست و نه درصدی که مانع از قانون‌پذیری آنها می‌شود، متغیرهای مزاحم دیگر است.

جدول ۴. رتبه‌بندی تأثیر عوامل چهارگانه مدیریت پلیسی بر تقویت قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی

ردیف	عوامل	نمره	سطح معناداری	رتبه
۱	مشارکت‌پذیری	۳/۱۴	۰/۰۰۰	اول
۲	انطباق‌پذیری	۲/۶۳	۰/۰۰۰	دوم
۳	انسجام و یکپارچگی	۲/۱۵	۰/۰۰۰	سوم
۴	عدالت	۲/۰۸	۰/۰۰۰	چهارم

با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۰ و مقایسه آن با خطای مجاز ۰/۰۵، برابر آزمون رتبه‌بندی انجام شده نتیجه‌گیری می‌شود که متغیرهای مشارکت، انطباق، انسجام و عدالت به ترتیب اولویت اول تا چهارم بیشترین تأثیر را بر فرهنگ قانون‌پذیری جوانان شهر کرمانشاه دارند. همچنین با استفاده از آزمون فریدمن گویه‌های ۲۵ گانه پرسشنامه نیز رتبه‌بندی شد و به ترتیب چهار گویه ۱. استفاده پلیس از ظرفیت رسانه‌های جمعی، ۲. وجود روابط صمیمانه بین پلیس و مردم براساس آموزه‌های دینی، ۳. مشارکت پلیس با سازمان‌های مردم‌نهاد و ۴. مشارکت پلیس با سازمان‌های دولتی در اولویت‌های اول تا چهارم تأثیرگذاری بر قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی قرار گرفتند. همچنین پاسخگوبودن پلیس به مردم، پرهیز از تبعیض در اجرای قانون توسط ماموران پلیس، اجرای صحیح قوانین توسط پلیس و رعایت حقوق شهروندی توسط پلیس دارای کمترین اثر بر قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی بود.

بحث و نتیجه‌گیری

از نتایج تحقیق برمی‌آید که مدیریت پلیس در قانون‌پذیری جوانان تأثیری بی‌بدیل دارد، به گونه‌ای که جوانان کرمانشاهی تأثیر این نقش را حدود ۷۱ درصد و سهم بقیه نهادها و سازمان‌های دیگر را حدود ۲۹ درصد دانسته‌اند. چنین نتیجه‌ای ضمن آنکه موجب دلگرمی همه ماموران خدوم نیروی انتظامی می‌شود،

ولی بار مسئولیت آنها را سنگین تر می‌کند، به گونه‌ای که هریک از مدیران و فرماندهان رده‌های مختلف نیروی انتظامی برای ایفای نقش خود در این زمینه باید با برنامه‌ریزی و حساب‌شده حرکت کند. نتایج پژوهش مبنی بر تاثیر هر چهار متغیر انطباق‌پذیری، انسجام، عدالت و مشارکت‌پذیری پلیس بر تقویت قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی با نتایج پژوهش قربانی (۱۳۹۷) مبنی بر تاثیر سبک زندگی برگرفته از عوامل محیطی بر گرایش به قانون‌گریزی و اثرگذاری الگوهای رفتار فردی، اجتماعی، اقتصادی و دینی بر قانون‌پذیری و پژوهش اوتادی (۱۳۹۶) مبنی بر استخراج علل موثر بر قانون‌گریزی موتورسواران و پژوهش تیلور و دارلی (۲۰۱۴) که به بررسی نقش ارزش‌های اجتماعی در ایجاد جامعه‌ای قانون‌مدار پرداخته‌اند، مطابقت دارد. قابل توجه آنکه بروز رفتارهای قانون‌مند تحت تاثیر میل به انجام اعمال اجتماعی، اخلاقی و دینی است و شهروندان در جوامع خود نظارتی، به مسئولیت قانونی خود معتقد هستند و برابر ارزش‌ها و هنجارها عمل می‌کنند. همچنین نتیجه پژوهش حاضر با پژوهش وردن و مک‌لین (۲۰۱۴) درباره مشروعیت و مدیریت پلیس همخوانی دارد. از دید آنها مردم تحت تاثیر رعایت عدالت توسط پلیس به اطمینان و اعتماد پیدا و با وی همکاری می‌کنند. بنابراین رعایت عدالت رویه‌ای بر مشروعیت پلیس تاثیرگذار است و ماندگاری چنین عدالتی در تجربه‌های ذهنی شهروندان ناشی از رفتار آشکار ماموران پلیس است. پژوهش حاضر، رعایت عدالت در مدیریت پلیس برای قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی را موثر می‌داند. این نتیجه با پژوهش اسکوغان (۲۰۰۴) با عنوان مشارکت اجتماعی و مراقبت انتظامی همگانی همخوانی دارد. او معتقد است که نظارت همگانی متضمن مشارکت و همکاری شهروندان با پلیس است. پلیس با تعریف مسائل مرتبط با جرم و تعیین اولویت‌ها در این زمینه به مشکلات مردم واقف و درصدد رفع آنها برمی‌آید. در پژوهش حاضر نیز تاثیر مشارکت‌پذیری در مدیریت پلیس و همکاری با جوانان به عنوان یکی از عوامل موثر قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی تایید شد. در یک جمع‌بندی کلی با توجه به اینکه دو متغیر از متغیرهای این پژوهش یعنی انطباق و انسجام از جمله چهار عامل پویایی رفتاری پارسونز به حساب می‌آیند، همچنین گرایش به تعادل از نتایج طبیعی نظام کارکردگرایی مدنظر اوست و چنین نظام‌هایی برای حفظ خود نیاز به حفظ روابط جز به کل یا مشارکت‌پذیری دارند.

پیشنهادها

با توجه به تایید تاثیر هر چهار متغیر پژوهش بر تقویت فرهنگ قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی، برای

ترویج بیشتر این فرهنگ پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. براساس رتبه‌بندی گویه‌ها، چون استفاده پلیس از ظرفیت رسانه‌های جمعی، بیشترین تاثیر را بر قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی داشته است، پیشنهاد می‌شود که ارتباط پلیس با رسانه در اولویت تعاملی روابط عمومی نیروی انتظامی، سازمان عقیدتی سیاسی، معاونت اجتماعی و حتی پلیس‌های تخصصی قرار گیرد.
۲. با توجه به اینکه روابط صمیمانه پلیس و مردم بر مبنای آموزه‌های دینی در اولویت دوم تاثیرگذاری قرار دارد، پیشنهاد می‌شود سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی نسبت به تقویت بنیه دینی ماموران نیروی انتظامی برای ایجاد روابط صمیمانه با مردم اقدام کند.
۳. نظر به اینکه مشارکت پلیس با سازمان‌های مردم‌نهاد و دولتی از نظر تاثیرگذاری بر قانون‌پذیری جوانان کرمانشاهی در اولویت‌های سوم و چهارم قرار دارد، پیشنهاد می‌شود نیروی انتظامی این تعامل و همکاری را در وهله اول با سازمان‌های دولتی بیشتر کند تا بر قانون‌پذیری جوانان از طریق سازمان‌های یادشده، تاثیرگذاری بیشتری را کسب کند.

سپاسگزاری

بدین وسیله نویسندگان مراتب سپاس خود را از کلیه مشارکت‌کنندگان در پژوهش و مسئولان دانشکده فرماندهی و ستاد اعلام می‌کنند.

فهرست منابع

- آزادارمکی، تقی. (۱۳۸۹). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. چاپ پنجم. تهران: سروش.
- احمدی، حبیب. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی انحرافات*. چاپ ششم. تهران: سمت.
- اسمیت، فیلیپ. (۱۳۸۷). *درآمدی بر نظریه فرهنگی*. حسن پویان، مترجم. چاپ دوم. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- امین‌صارمی، نودز. (۱۳۸۰). *انحرافات اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌های معارض*. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- اوتادی، عباس. (۱۳۹۶). *علل قانونی موثر بر قانون‌گریزی راکبان موتورسیکلت (منطقه ۱۲ تهران بزرگ)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم و فنون راهنمایی و رانندگی، دانشگاه علوم انتظامی امین. تهران.
- بیلینگتون، روزاموند و حریری اکبری، محمد. (۱۳۸۰). *فرهنگ و جامعه - جامعه‌شناسی فرهنگ*. فریبا عزب‌دفتری، مترجم. تهران: نشر قطره.
- چلبی، مسعود و مبارکی، محمد. (۱۳۸۴). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۶(۲)، صص ۳-۴۴. قابل‌بازبازی از: http://www.jsi-isa.ir/article_25377.html

پارسامهر، مهربان؛ سعیدی مدنی، سیدمحسن و دیوبند، فائزه. (۱۳۸۹). رابطه پیوند اجتماعی ایجاد شده توسط خانواده با خشونت میان فردی نوجوانان پسر در شهر یزد. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۶(۱)، صص ۷۱-۸۶.

قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/222152>

تبیث، مارک. (۱۳۸۴). *فلسفه حقوق*. حسن رضایی خاوری، مترجم. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی. رضازاده، اکبر. (۱۳۹۲). بررسی مطالبات شهروندان شمال تهران از پلیس درباره نظم عمومی و امنیت اجتماعی. *پژوهش‌های مدیریت انتظامی*، ۸(۲)، صص ۲۵۳-۲۷۹. قابل بازیابی از:

http://pmsq.jrl.police.ir/article_18233.html

دیلمینی، تیم. (۱۳۹۳). *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*، به‌رنگ صدیقی و وحید طلوعی، مترجم. چاپ هشتم. تهران: نشر نی.

رنجبر، مجید. (۱۳۹۶). *تاثیر دوربین‌های ثبت تخلفات طرح زوج و فرد بر میزان قانون‌پذیری رانندگان تهرانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم و فنون راهنمایی و رانندگی، دانشگاه علوم انتظامی امین. تهران.

رضایی، نورمحمد؛ گروسی، اکرم و مهاجری، محمدکاظم. (۱۳۹۴). رابطه عوامل مدیریتی با احساس مدیریتی روان‌شناختی در بین کارکنان نیروی انتظامی. *فصلنامه روان‌شناسی نظامی*، ۶(۲۱)، صص ۳۹-۵۰. قابل

بازیابی از: https://jmp.ihu.ac.ir/article_201189.html

ریتزر، جورج. (۱۳۹۲). *نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*. خلیل میرزایی و علی بقایی سرابی، مترجم. تهران: نشر جامعه‌شناسان.

زارع شاه‌آبادی، اکبر و ترکان، رحمت‌الله. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان در شهر یزد. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۳(۵۰)، صص ۱۵۹-۲۰۵. قابل بازیابی از:

http://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=1359&sid=1&slc_lang=fa

صداقت، کریم. (۱۳۸۴). *بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر قانون‌گریزی و قانون‌گرایی شهروندان تبریزی*. رساله دکتری. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان. اصفهان.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۹۷). *آسیب‌شناسی اجتماعی*. چاپ هشتم. تهران: سمت.

عزددانلو، حمید. (۱۳۹۱). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*. چاپ چهارم. تهران: نشر نی.

قدیمی، اسماعیل. (۱۳۹۳). تو در توی جنبه‌های نظری پارسونز (تالکوت پارسونز و جامعه‌شناسی تطوری تطبیقی). *فصلنامه نقد کتاب علوم اجتماعی*، ۱(۱ و ۲)، صص ۹۵-۱۰۴. قابل بازیابی از:

<http://ssbr.fasnameh.org/article-1-32-fa.html>

قربانی، شهریار. (۱۳۹۷). *بررسی تاثیر سبک زندگی و عوامل محیطی بر گرایش رانندگان به قانون‌گریزی (تاکسی‌های شهر کرمانشاه)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم و فنون راهنمایی و رانندگی، دانشگاه علوم انتظامی امین. تهران.

کرایب، یان. (۱۳۹۸). *نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*. عباس مخبر، مترجم. تهران: آگه.

کرایب، یان. (۱۳۹۵). *نظریه اجتماعی کلاسیک - مقدمه‌های بر اندیشه ماکس وبر، دورکیم و زیمل*. شهناز مسمی پرست، مترجم. چاپ سیزدهم. تهران: نشر آگه.

کلانتری، صمد؛ ربانی خوراسگانی، رسول و صداقت، کامران. (۱۳۸۴). ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۵(۱۸)، صص ۶۵-۹۰. قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=28580>

کوزر، لویس آلفرد و روزنبرگ، برنارد. (۱۳۹۳). *نظریه‌های جامعه‌شناختی*. فرهنگ ارشاد، مترجم. چاپ ششم. تهران: نشر نی.

- ماهرویی، ابوالحسن. (۱۳۸۱). حقوق و تکالیف شهروندی و قانون‌گریزی شهروندان. *نشریه عدالت*، ۲(۳)، قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=28588>
- معین، محمد. (۱۳۹۱). *فرهنگ فارسی*. چاپ بیست و هفتم. تهران: امیرکبیر.
- موسوی، سید غلامرضا. (۱۳۹۷). *بررسی آماری شاخص پرونده به قاضی و جمعیت در دادگستری‌های کل کشور*. تهران: اداره کل برنامه‌ریزی منابع انسانی معاونت منابع انسانی قوه قضاییه.
- Wycoff, M. A., & Skogan, W. G. (1994). The Effect of a Community Policing Management Style on Officers' Attitudes. *Crime & Delinquency*, 40(3), pp 371-383. Retrieved from: <https://doi.org/10.1177/0011128794040003005>
- Taylor, L, Walton, P, Darly, J. (2014). *The new criminology for a social theory of deviance*. London: Routledge.
- Tanielian, Adam. (2013). Article Illicit Supply and Demand: Child Sex Exploitation in South East Asia. *National Taiwan University Law Review*. Retrieved from: 10.3966/181263242013030801003.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی